



سوسیالیستی مارکسیستی، مبتنی بر محوریت طبقه کارگر است. جامعه را قطب بندی می‌کند و مردم را بر مبنای ستیز طبقاتی و رقابت خصمانه تقسیم می‌کند و رودرروی همدیگر می‌نشانند. یک محور به نام «طبقه کارگر» معرفی می‌کند و می‌گوید بقیه باید تابع این محور باشند اما پوپولیسم حول سیاست ورزی طبقاتی نمی‌چرخد. پوپولیسم نوعی جنبش خواهان بازتوزیع ثروت و ضد سرمایه داری است که سوسیالیستی نیست، طبقاتی نگاه نمی‌کند و نافی مالکیت خصوصی نیست. در جوامعی مثل جامعه ما که شبه مدرن هستند اصلا قطبی شدگی طبقاتی در صورت متعارف اجتماعات سرمایه داری متروپول دیده نمی‌شود و بالا به بندی طبقاتی جوامع سرمایه داری متروپول تفاوت‌هایی دارد؛ بنابراین این تبیین‌ها دچار مشکل می‌شوند. باید توجه داشته باشیم که «پوپولیسم» خواه ناخواه ذیل دموکراسی اومانیستی است. چون در نهایت، سیاست ورزی را بر مبنای «کمیت‌انگاری» و «منفعت‌محوری» تعریف می‌کند.

در نتیجه می‌توان این طور مرور کرد که پوپولیسم به معنای مردم‌فریبی نیست، اگر بخواهیم واژه پوپولیسم را در معنای لفظی به فارسی ترجمه کنیم، به معنای «مردم‌گرایی» و اگر دقیق‌تر بگوییم «مردم‌انگاری» است. پوپولیسم یک «ایدئولوژی مدرن» و در ذیل اومانیسم است، «ماهیت سکولاریستی» دارد اما متفاوت از جریان‌های غالب چپ و راست مدرن است؛ گرچه خود پوپولیسم دو شاخه چپ و راست دارد. پوپولیسم تلقی‌ای متفاوت از سیاست ورزی دارد و مردم را به منزله یک «کل» می‌فهمد. تفاوت پوپولیسم با سایر ایدئولوژی‌های مدرن این است که آن‌ها مردم را به مثابه یک کلیت نمی‌فهمند بلکه مردم را به اجزایش می‌شکنند و معیار این تقسیم بندی، لایه بندی و گروه بندی اقتصادی است. دهک‌ها و لایه‌های اقتصادی برای جامعه تعریف می‌کنند و می‌کوشند سمپاتی اجتماعی بین بعضی از گروه‌ها با قدرت رسمی برقرار کنند؛